

تداوم اعتراضات اجتماعی و ورود طبقه کارگر به اعتراضات



صحنه ای از اعتراضات کارگری

صدای انترناسیونالیستی

E-mail: contact@internationalistvoice.org

Homepage: www.internationalistvoice.org

تلگرام: <https://t.me/intvoice>

رهانده برتری در کار نیست،

نه خدا، نه شاه، نه قهرمان

خود به رهائی خویش برخیزیم، ای تولیدگران! [۱]

اعتراضات خیابانی که از اواخر شهریور ماه شروع شده بود به سرعت به دانشگاهها گسترش پیدا کرد. سرکوب اعتراضات دانشگاه شریف نتوانست جلو گسترش اعتراضات دانشجویی را بگیرد، روز ۱۶ مهر ۱۴۰۱ رئیس جلاد که برای افتتاح سال جدید تحصیلی به دانشگاه الزهرا رفته بود، دانشجویان با شعار «مرگ بر ستمگر، چه شاه باشه، چه رهبر» از رئیسی استقبال کردند و رئیسی نیز معترضان را مگس خواند.

دانشگاه تاریخا محل تجمع و اعتراض بوده است، اما با سرکوب دانشگاهها در سال ۱۳۵۹ عملاً بورژوازی اسلامی حاکمیت خود را بر دانشگاهها اعمال کرد و بعد از آن اعتراضات دانشجویی شکل درگیری جناحی بورژوایی را ایفا میکرد. اگر چه از سال ۱۳۸۶ مجدداً دانشگاه به محل اعتراض تبدیل شد، اما بزودی سرکوب شد و بعد از آن اعتراضات دانشجویی کم رنگ بوده است. اما در جریان اعتراضات اخیر، مجدداً دانشگاهها به محل تجمع و اعتراض تبدیل شد و مهمتر از آن، اعتراضات دانشجویی به دبیرستانها گسترش پیدا کرد.

در تمامی جوامع طبقاتی سوای از ستم طبقاتی، ستم جنسی نیز بر زنان و بخصوص زنان طبقه کارگر اعمال میشود. منتهی بورژوازی اسلامی بخاطر روبنای ایدئولوژیک خود، به این ستم، شکل توحش و قرون و سطایی داده است. زنان در سراسر این گیتی بخشی جدائی ناپذیر از اعتراض به نابرابریهای اجتماعی بوده اند. زنان بر خلاف فرهنگ پوسیده و عقب مانده بورژوازی اسلامی نقش فعالی در مبارزات، چه در اعتصابات و چه در اعتراضات خیابانی ایفا کرده اند. در جریان اعتراضات و مبارزات سالهای ۱۳۵۸ - ۱۳۵۶ زنان به مفهوم لغوی کلمه، بازو در بازو با مردان در مبارزات شرکت داشتند. از زمان روی کار آمدن بورژوازی اسلامی، مبارزات زنان نیز برای دفاع از شرایط اجتماعی و انسانی خود شروع شد. با وجود همه اینها، نباید فراموش کرد، انسانها در جامعه طبقاتی زندگی می کنند و به طبقه اجتماعی خاصی تعلق دارند. ریشه اصلی ستم بر زنان نه در روبنای ایدئولوژیک بورژوازی اسلامی بلکه در نظام طبقاتی و روابط تولیدی سرمایه داری است. برای مبارزه با ستم جنسی بر زنان باید با ریشه این ستم یعنی روابط اجتماعی سرمایه داری مبارزه کرد. با اوج گیری مبارزات اجتماعی، زنان جوان و دختران با شور و اشتیاق بیشتری در مبارزه شرکت کرده اند. اما باید تاکید کرد که بر

خلاف توهمات دمکراتیک زنان از یوغ و قید و بند سرمایه رها نخواهند شد مگر آن که زنان کارگر بازو در بازو با مردان کارگر، همچون اجزای یک طبقه اجتماعی، مبارزه مستقل خود را با اهداف طبقاتی پیش ببرند و سیاهی لشکر جنبش دمکراسی خواهی نشوند.

ماهیت یک جنبش اجتماعی را سوای از ترکیب طبقاتی نیروهای شرکت کننده، خواست‌ها و اهداف آن جنبش تعیین می‌کند. در چنین زمینه‌ائی است که شعارهای مطرح شده اهمیت بسزائی پیدا می‌کنند و جهت‌گیری آن اعتراض را تعیین می‌کنند. شعار «زن، زندگی، آزادی» ریشه در جنبش ملی دارد و فاقد بار طبقاتی است. به این خاطر است که از راست راست تا چپ چپ این شعار را مطرح میکنند و پژواک آن از پارلمان‌های بورژوایی شنیده میشود. اجزای این شعار مفاهیم انتزاعی نیستند بلکه تابعی از روابط تولیدی سرمایه داری هستند. چنین شعاری زنان کارگر را سیاهی لشکر جنبش دمکراسی خواهی میکند. این مسئله برای چپ سرمایه که با کلام رادیکال از «انقلاب» صحبت میکند، مشکل ساز میشود، لذا پیشنهاد می‌کنند که این شعار را باید «نجات» داد با افزودن پسوندی و پیشنهادات زیرین را داده اند:

• زن، زندگی، آزادی، اداره شورایی (تروتسکیستها)

• زن، زندگی، آزادی، سوسیالیسم

• زن، زندگی، آزادی، حکومت کارگری

برخلاف چپ سرمایه، وظیفه کمونیستها و انقلابیون نه نجات شعارهای ضد دیکتاتوری بلکه ارائه شفافیت در رابطه با منشاء و محتوای چنین شعارهایی است. باز هم برخلاف عوامفریبی‌های چپ سرمایه، فاصله گرفتن از چنین شعارهایی و مطرح کردن مطالبات طبقاتی پرولتری گامی است در راستای پالایش مبارزه طبقاتی.

واقعیت انکارناپذیر این است که با اعتراضات خیابانی، اعتراضات دانشجویی و اعتراضات دیگر اقشار جامعه، رژیم سقوط نمی‌کند و بورژوازی کثیف اسلامی می‌تواند با سرکوب لجام گسیخته به عمر ننگین خود ادامه دهد، تنها ورود طبقه کارگر به عنوان طبقه اجتماعی است که معادله را عوض میکند. در ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ ارتش شاهنشاهی ایران تظاهرات ضد سلطنتی را در میدان ژاله به خون کشید و حمام خون براه انداخت که به جمعه سیاه مشهور است. بعد از جمعه سیاه، شاه به حکومت خود ادامه داد. تنها با گسترش اعتراضات و اعتصابات

کارگری به صنایع نفت بود که شاه احساس خطر کرد، زمانی که صدور نفت بخاطر اعتصابات کارگری قطع شد. بورژوازی جهانی نیز بهتر آن دید برای جلوگیری از رادیکال شدن اعتراضات کارگری جابجائی در روبنای دستگاه سیاسی صورت بگیرد. آمریکا، انگلیس، آلمان و فرانسه کنفرانس «گوادلوپ» را برگزار کردند. در کنفرانس به این نتیجه رسیدند که شاه رفتنی است و خمینی می تواند بدیل مناسبی برای رژیم شاه باشد. همین خطر امروز بیش از آن موقع وجود دارد. غربی ها و بخصوص آمریکا بخاطر منافع امپریالیستی خود حمایت خود را از اعتراضات اعلام کرده اند ولی واقعیت انکار ناپذیر این است که بورژوازی غرب نگران رادیکال شدن اعتراضات اجتماعی و از کنترل خارج شدن اعتراضات و از دست دادن ابتکار عمل برای بدیل های آینده است.

در چنین زمینه ایی است که نهادهای بورژوایی و بخصوص ژورنالیسم غربی بیشترین نقش را در ایفای مهندسی افکار عمومی ایفا می کنند. نیویورک تایمز یک ژورنالیست طرفدار رژیم را که حالا تغییر جهت داده و با کمک نهادهای غربی بدیل سازی می کند به وسط صحنه می آورد و این مزدور (مسیح علینژاد) ادعا میکند که "من این جنبش را رهبری می کنم." [۲] یا اینکه ژورنالیست های «باشرف» بریتانیایی در روزنامه تلگراف، قهرمان سازی میکنند که "سپاه پاسداران ایران به دلیل حمایت از تظاهرات خواستار دستگیری «مارادونای آسیایی» است." [۳] سلبریتی های رنگارنگ از کیم کارداشیان تا جاستین بیر و ستاره های دیگر در مورد مرگ هولناک مهسا امینی صحبت میکنند. [۴] و اظهارات آنها به بهترین وجهی در رسانه ها منعکس میشود. روزنامه فرانسوی لیبراسیون به تاریخ ۲۵ سپتامبر ۲۰۲۲ صفحه اول خود را با شعار «زن، زندگی، آزادی» به زبانهای فارسی و فرانسوی به همراه عکس تظاهرات مزین می کند. نماینده پارلمان اتحادیه اروپا طی سخنرانی درباره سرکوب معترضان در ایران با شعار «زن، زندگی، آزادی» موهای خود را در صحن پارلمان اتحادیه اروپا می برد. [۵] این لیست را میتوان طولانی کرد. اما اظهارات رابرت مالی، نماینده ویژه آمریکا در امور ایران جای تامل دارد و مواضع غرب را بهتر به تصویر می کشد، او گفت:

«سیاست [آمریکا] تغییر رژیم در ایران نیست، بلکه سیاست پشتیبانی از مردمی است که مسالمت آمیز اعتراض می کنند.» [۶]

بورژوازی غرب در محکومیت بورژوازی اسلامی و از سوی دیگر در حمایت خود از اعتراضات ۲ هدف را دنبال میکند. هدف اول تحت فشار قراردادادن بورژوازی اسلامی و تضعیف آن است تا بورژوازی اسلامی بعنوان

یک رژیم ضعیف و سر بره، برجام را بپذیرد، دست از جاه طلبی های امپریالیستی در منطقه بردارد و بخشی از بحران انرژی غرب را در شرایط حساس کنونی تامین کند تا غرب بهتر بتواند روسیه را از لحاظ اقتصادی تحت فشار قرار دهد. هدف دوم آماده سازی بدیل برای جایگزینی بورژوازی اسلامی در روز مبادا است، اگر قرار شد جابجایی در قدرت سیاسی انجام بگیرد، بورژوازی غرب بتواند آلترناتیو خود را همچون سال ۱۳۵۷ ارائه دهد. تظاهرات های وسیع اول اکتبر در سراسر دنیا که همبستگی ملی و پرچم ایران ویژگی های آن بودند و اپوزسیون راست بورژوایی بر آن تسلط کامل داشت، البته با حمایت اپوزسیون چپ انجام گرفت و از حمایت های وسیع نهادهای بورژوایی غربی برخوردار بود، بخشی از اهداف دوم بورژوازی غربی بوده است. بی مناسبت نیست که ژورنالیسم غربی با تمامی ابزارهای ممکن در مرکز توجه قرار دادن این تظاهرات نقش مهمی ایفا کرد و همین رویه همچنان دنبال می شود. نکته حائز اهمیت این است که تظاهرکنندگان در داخل ایران هرگز پرچم ایران را حمل نکرده اند و در شعارهایشان بسیار مترقی تر از تظاهرات اول اکتبر بوده اند.

از جناح راست سرمایه تا جناح چپ آن میدانند، در حافظه تاریخی خود دارند و تاریخ نشان داده است که بدون وارد شدن کارگران به اعتراضات اجتماعی امکان سرنگونی بورژوازی اسلامی وجود ندارد و لذا از کارگران میخواهند که به میدان بیایند و کار را یکسره کنند. به عبارت بهتر آنها میخواهند طبقه کارگر سیاهی لشکر مبارزات ضد دیکتاتوری بشود تا جابجایی در روبنای سیاسی جامعه نه تنها امکان پذیر بلکه زودتر انجام گیرد.

۱۸ مهر ۱۴۰۱ کارگران پتروشیمی های بوشهر، دماوند عسلویه و پالایشگاه های آبادان، کنگان به اعتراض و اعتصاب پیوستند. کارگران با شعار «مرگ بر دیکتاتور!» وارد صحنه اعتراضات شدند. اگر چه کارگران نه با شعار طبقاتی بلکه با شعار ضد دیکتاتوری وارد اعتراضات شدند، اما بیرون آمدن کارگران برای مبارزه یک ضرورت مطلق برای مبارزه طبقاتی است. اما باید تاکید کرد، شعار ما باید بر علیه بردگی مزدی، استثمار و به عبارت دیگر باید بنیان های سرمایه داری را نشانه گیری کند. ما باید بخاطر منافع طبقاتی خودمان بجنگیم ما هرگز نباید هویت طبقاتی مان را، توانائی های انقلابی مان را در شکل دادن خودمان بعنوان یک نیروی اجتماعی مستقل در تحولات جامعه از طریق مبارزه طبقاتی از دست بدهیم. تنها طبقه کارگر بعنوان یک طبقه اجتماعی است که میتواند به نکت جهان سرمایه داری پایان دهد. ما تنها می توانیم حملات بورژوازی را از زمین طبقاتی خودمان، دفع کنیم. طبقه کارگر نباید بدون جنبش دمکراسی خواهی کشیده شود و بدتر از آن سیاهی لشکر شدن طبقه کارگر در جنبش دمکراسی خواهی، طبقه کارگر را تضعیف و ناتوان خواهد کرد.

صنعت نفت بدلیل ویژگیهای خاص خود، دیرتر وارد اعتراضات کارگری می شود، اما وقتی هم وارد اعتراضات و اعتصابات کارگری شد، واقعا کمر بورژوازی را می شکند. نمونه بارز آن اعتصابات و اعتراضات صنعت نفت ایران در سال ۱۳۵۷ است.

هم زنجیران!

طبقه کارگر ایران بعنوان گردانی از طبقه کارگر جهانی، متمرکزترین و با تجربه ترین طبقه کارگر خاورمیانه را دارد که در حافظه تاریخی خود نبردهای درخشانی را بخصوص در سالهای ۱۳۵۸ - ۱۳۵۶ به ثبت رسانده است. طبقه کارگر باید ابتکار اعتراضات را در مبارزه ضد سرمایه داری به دست گیرد، اعتراضات خیابانی و اعتراضات دانشجویی را مکمل مبارزات خود کند. در چنین شرایطی اعتراضات خیابانی و اعتراضات دانشجویی در راستای مبارزه طبقاتی و در خدمت مبارزه طبقاتی قرار خواهند گرفت و بخشی از مبارزه طبقاتی خواهند بود.

وظیفه کمونیست ها و انترناسیونالیست ها نه دنباله روی از حوادث اجتماعی بلکه دفاع از برنامه کمونیستی و افق پرولتری در اعتراضات و مبارزات اجتماعی است. کمونیستها و انقلابیون باید با مراجعه به حافظه تاریخی نبردهای پرولتری، قطب نمای مبارزه طبقاتی باشند.

قدرت واقعی طبقه کارگر نه در ایجاد توقف در انباشت سرمایه، نه در برانداختن دیکتاتورها بلکه در ظاهر شدن بعنوان یک طبقه اجتماعی و آگاه به وظیفه تاریخی خود است. بحث بر سر این است که این طبقه اجتماعی به لحاظ تاریخی مجبور به انجام چه کاری است، چرا که تنها این طبقه اجتماعی قادر به انجام انقلاب کمونیستی جهانی است.

زنده باد جنگ طبقه علیه طبقه!

م جهانگیری

۱۹ مهر ۱۴۰۱

یادداشت‌ها:

- [۱] برگرفته از سرود انترناسیونال
- [۲] روزنامه نیورک تایمز
- [۳] روزنامه تلگراف چاپ بریتانیا
- [۴] اظهارات کیم کارداشیان، جاستین بیر
- [۵] روزنامه گاردین
- [۶] وبسایت ان‌پی‌ار، یکی از رسانه های آمریکایی

ایمیل:

contact@internationalistvoice.org

وبسایت:

www.internationalistvoice.org

کانال تلگرام:

<https://t.me/intvoice>